

شادی فراتر از تولید ناخالص داخلی

گاردین با رجوع به گزارش عدالت جهانی می‌کوشد نشان دهد سنجش رفاه با تولید ناخالص داخلی کافی نیست و کیفیت زندگی باید با معیارهایی انسانی‌تر فهمیده شود



در زمانه‌ای که سرنوشت جوامع بیش از هر دوره‌ای با شاخص‌ها، نمودارها و نسبت‌های مالی سنجیده می‌شود، یک پرسش اساسی دوباره به مرکز بحث بازگشته است: آیا رفاه انسان را می‌توان صرفاً با رشد تولید ناخالص داخلی توضیح داد؟ «گزارش عدالت جهانی» که به‌تازگی منتشر شده، با جسارتی کم‌سابقه به این پرسش پاسخ منفی می‌دهد و می‌کوشد تصویری دیگر از آینده عرضه کند: آینده‌ای که در آن پیشرفت اقتصادی نه به معنای انباشت بی‌حد کالا، بلکه به مفهوم توزیع عادلانه فرصت‌ها، کاهش فشار بر طبیعت و ارتقای کیفیت زیست انسانی فهم می‌شود. اهمیت این گزارش در آن است که از سطح هشدارهای کلی درباره اقلیم و نابرابری فراتر می‌رود و می‌کوشد میان اقتصاد، عدالت و زیست‌پذیری سیاره پیوندی منسجم برقرار کند.

در جهانی که از یک سو با وسوسه رشد لجام‌گسیخته و از سوی دیگر با ترس فروپاشی اقلیمی روبه‌رو است، این گزارش می‌گوید بدیل سومی نیز وجود دارد: جهانی که در آن اکثریت مردم می‌توانند زندگی بهتری داشته باشند، ساعات کمتری کار کنند، از سلامت و آموزش مناسب‌تری بهره ببرند و در عین حال، کره زمین را به مرزهای غیرقابل بازگشت نرانند. این ادعا بلندپروازانه است، اما درست به همین دلیل سزاوار توجهی جدی است.

رفاه ورای رشد صرف

هسته اصلی «گزارش عدالت جهانی» بر این ایده استوار است که رفاه را نباید به یک شاخص واحد اقتصادی فروکاست. طی دهه‌های گذشته، تولید ناخالص داخلی به معیار مسلط سنجش کامیابی کشورها بدل شد؛ شاخصی که هرچند ظرفیت تولید را نشان می‌دهد، اما درباره کیفیت توزیع ثروت، سلامت اجتماعی، اوقات فراغت، امنیت زیست‌محیطی و پایداری زندگی جمعی سکوت می‌کند. گزارش مورد بحث با فاصله گرفتن از این منطق، از مفهومی دفاع می‌کند که آن را می‌توان «بسندگی» نامید: برخورداری از سطحی از زندگی که در آن نیازهای واقعی انسان برآورده شود، بی‌آنکه اقتصاد بر مدار مصرف‌زدگی، فرسایش طبیعت و رقابت بی‌پایان برای انباشت بیشتر بچرخد.

در این چارچوب، کیفیت زندگی بر کمیت کالاها تقدم می‌یابد. معنای این سخن آن نیست که رشد و تولید بی‌اهمیت‌اند، بلکه تأکید بر این است که اقتصاد باید در خدمت زیست بهتر قرار گیرد، نه آنکه انسان و طبیعت در خدمت انبساط بی‌وقفه اقتصاد باشند. از همین منظر، گزارش می‌گوید امکان آن وجود دارد که جوامع در دهه‌های آینده هم‌زمان به درآمد‌های عادلانه‌تر، ساعات کار کمتر، دسترسی بهتر به خدمات عمومی و کاهش تخریب زیست‌بومی دست یابند. این ادعا، در واقع، تلاشی برای بازتعریف خودِ ایده پیشرفت است.

نویسندگان گزارش با ارجاع به سنت‌های فکری گوناگون، از فلسفه اعتدال گرفته تا برخی تجربه‌های نوین مانند «شادی ناخالص ملی» در بوتان، یادآوری می‌کنند که زندگی خوب الزاماً با مصرف بیشتر تعریف نمی‌شود. زمان بیشتر برای خانواده، فراغت، سلامت روانی، رابطه متوازن با طبیعت و امنیت اجتماعی، همگی بخشی از ثروت واقعی جوامع‌اند؛ ثروتی که در حساب‌های ملی کلاسیک، یا نادیده گرفته می‌شود یا به حاشیه می‌رود. از این‌رو، تأکید گزارش بر آن است که خوشبختی و رفاه، صرفاً محصول ارقام حسابداری نیستند.

عدالت در متن اقلیم

این گزارش یکی از مهم‌ترین ضعف‌های بحث‌های رایج درباره اقلیم را برجسته می‌کند: جدا کردن بحران زیست‌محیطی از مسئله نابرابری و عدالت اجتماعی. در سال‌های اخیر، گفت‌وگوهای اقلیمی عمدتاً بر کربن‌زدایی، خالص صفر و نوآوری فناورانه متمرکز بوده‌اند؛ مفاهیمی مهم، اما ناکافی. گزارش تأکید می‌کند که اگر سیاست اقلیمی به توزیع درآمد، تمرکز ثروت و دسترسی نابرابر به امکانات بی‌اعتنا بماند، نه‌تنها حمایت عمومی را از دست می‌دهد، بلکه به پروژه‌ای تکنوکراتیک و نامحبوب تبدیل می‌شود. توماس پیکنتی در این چارچوب از توم «بوم‌شناسی

بدون طبقه» سخن می‌گوید؛ این تصور که می‌توان بحران اقلیمی را بدون توجه به ساختارهای نابرابری حل کرد. به باور گزارش، همین خطا باعث شده بسیاری از سیاست‌های سبز در نگاه طبقات متوسط و کم‌درآمد، نه عادلانه، بلکه تحمیلی و نابرابر به نظر برسند؛ به‌ویژه وقتی از اکثریت جامعه خواسته می‌شود هزینه گذار اقلیمی را بپردازند، اما ثروت‌های بزرگ دست‌نخورده باقی بمانند. بر این اساس، گزارش خواهان اصلاحات عمیق در نظام مالی جهانی، مالیات بیشتر بر ثروت‌های کلان و بازتوزیع منافع گذار اقتصادی است. منطق آن روشن است: بدون بازتوزیع، گذار اقلیمی نه پایدار خواهد بود و نه دموکراتیک. در این نگاه، عدالت صرفاً یک ضمیمه اخلاقی برای اقتصاد سبز نیست، بلکه شرط موفقیت آن است. گزارش همچنین در برابر الگوی «تکنو-استخراج گرایی» می‌ایستد؛ الگویی مبتنی بر مصرف فراینده انرژی، استخراج بیشتر منابع و تمرکز قدرت اقتصادی در دست اقلیتی ثروتمند که در نهایت به گرمایش شدیدتر، نابرابری عمیق‌تر و بیشتر جهان می‌انجامد.

افق ممکن آینده مشترک

«گزارش عدالت جهانی» فقط یک متن انتقادی نیست، بلکه تلاشی برای ترسیم افقی بدیل در جهانی است که بدبینی سیاسی، سلطه فناوری و منطق معامله‌گرایانه قدرت، ظرفیت تخیل جمعی را تضعیف کرده‌اند. این گزارش از آرمان گرایی دفاع می‌کند، اما نه به معنای گریز از واقعیت؛ بلکه به‌عنوان ضرورتی برای آنکه سیاست پیش از تعمیق بحران‌ها، زبان و چشم‌انداز لازم برای تغییر را در اختیار داشته باشد. پیکنتی یادآوری می‌شود که تحولات بزرگ تاریخی اغلب بسیار سریع‌تر از آنچه در دوره‌های عادی تصور می‌شود رخ داده‌اند. از این رو، عدالت جهانی و بسندگی نباید به آینده‌ای نامعلوم موکول شوند، زیرا بحران‌های اقلیمی و اقتصادی دیر یا زود جوامع را به دگرگونی‌های گسترده سوق خواهند داد.

ارزش این گزارش را نیز نباید فقط با معیار «اجرایی بودن فوری» سنجید. هرچند تردیدها درباره امکان اصلاحات مالی جهانی، مقاومت طبقات ممتاز و دشواری تغییر الگوهای مصرف واقعی‌اند، اما گزارش استدلال می‌کند که بدیل‌های موجود، چه رشد گرایی سنتی و چه فناوری محوری استخراج گر، پرهنرینه‌تر و تاریک‌ترند. در جهانی که نابرابری تعمیق می‌شود، طبیعت فرسوده‌تر و کیفیت زندگی اکثریت تضعیف می‌شود، تصور آینده‌ای عادلانه‌تر و قابل سکونت‌تر نه خیال‌پردازی، بلکه ضرورتی عقلانی است. پیام‌هایی گزارش روشن است: رفاه واقعی را نمی‌توان فقط با رشد اقتصادی سنجید؛ سیاست اقتصادی قرن بیست‌ویکم باید از مرزهای تولید ناخالص داخلی فراتر رود و عدالت، طبیعت و کرامت انسانی را هم‌زمان در تعریف رفاه بگنجاند.

هستند، اما نه به بهای سنگین اجتماعی و رفاهی. این دوگانگی، چالشی جدی برای سیاست‌گذاران اروپایی به شمار می‌رود.

اروپا میان تردید و تجدید

با وجود افزایش بی‌اعتمادی به آمریکا، افکار عمومی اروپا هنوز خواهان گسست کامل از واشنگتن نیست. تنها ۲۹ درصد از پاسخ‌دهندگان از جایگزینی ناتو با یک ساختار دفاعی کاملاً اروپایی حمایت کرده‌اند؛ نشانه‌ای از آنکه ناتو همچنان در ذهن بسیاری، ستون اصلی امنیت جمعی است. در بیشتر کشورها، به‌جز بلغارستان، این باور وجود دارد که روابط اروپا و آمریکا پس از خروج ترامپ می‌تواند بهبود یابد؛ در کشورهایی مانند فرانسه، اسپانیا، دانمارک، هلند و سوئد این امید حتی به حدود ۶۰ درصد یا بیشتر می‌رسد. این وضعیت از یک دوگانگی مهم حکایت دارد: اروپا دیگر اعتماد سابق را به آمریکا ندارد، اما هنوز برای جدایی کامل نیز آماده نیست. قاره سبز اکنون در مرحله‌ای گذار قرار گرفته و می‌کوشد میان حفظ پیوندهای سنتی با آمریکا و ایجاد توان دفاعی مستقل، تعادلی تازه برقرار کند. یافته‌های دیگر نظرسنجی نیز همین احتیاط را تأیید می‌کند. با وجود فشار هزینه‌های انرژی، ۴۴ درصد از اروپایی‌ها از زنجیری واردات نفت و گاز روسیه را ایده‌ای منفی می‌دانند. همچنین، پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا همچنان موضوعی اختلافی است. در مجموع، اروپا به سوی استقلال‌ی محتاطانه و کاهش وابستگی راهبردی حرکت می‌کند.

جهان

نکته

نگاهی به گزارش عدالت جهانی ۲۰۲۶

«گزارش عدالت جهانی ۲۰۲۶» که از سوی «آزمایشگاه نابرابری جهانی» و با مشارکت شبکه‌ای گسترده از پژوهشگران، از جمله توماس پیکتی، تهیه شده، تلاشی جدی برای بازتعریف نسبت میان توسعه، برابری و پایداری زیست‌محیطی است. اهمیت این گزارش در آن است که بحران اقلیم را از سطح یک مسئله صرفاً فنی فراتر می‌برد و آن را در متن ساختار نابرابر توزیع ثروت، درآمد و قدرت در جهان می‌نشانند. تز اصلی گزارش روشن است: جهان تنها در صورتی می‌تواند در دهه‌های آینده هم‌زمان زیست‌پذیر و عادلانه باقی بماند که سه مسیر به‌طور هم‌زمان دنبال شود؛ کربن‌زدایی فوری، گذار به الگوی بسندگی و کاهش شدید نابرابری‌ها. این گزارش بر این نکته تأکید می‌کند که الگوی مسلط رشد، یعنی اتکای مداوم به افزایش تولید و مصرف، دیگر نه از منظر اقلیمی قابل دوام است و نه از حیث اجتماعی. از همین رو، یکی از مفاهیم محوری آن «بسندگی» است؛ مفهومی که در این سند نه به معنای ریاضت، بلکه به معنای بازتنظیم اولویت‌های اقتصادی تعریف می‌شود. در این نگاه، رفاه باید بر پایه کیفیت زندگی، سلامت، آموزش، خدمات عمومی، امنیت اجتماعی و زمان آزاد سنجیده شود، نه صرفاً بر مبنای رشد تولید ناخالص داخلی. گزارش در همین چارچوب، از کاهش ساعت کار، تقویت خدمات عمومی و مهار مصرف مازاد، به‌ویژه در جوامع ثروتمند، دفاع می‌کند.

محور مهم دیگر گزارش، ایده «همگرایی درآمدی جهانی» است. بر اساس این ایده، کشورهای کم‌درآمد و متوسط باید امکان رشد سریع‌تر، سرمایه‌گذاری بیشتر و جبران عقب‌ماندگی تاریخی خود را پیدا کنند، در حالی که کشورهای ثروتمند باید رشدآهسته‌تر، مصرف مادی کمتر و مسئولیت بیشتری در تأمین مالی گذار جهانی بپذیرند. گزارش تصریح می‌کند که بدون چنین جابه‌جایی‌ای در الگوی توزیع منابع و فرصت‌ها، نه مهار گرمایش زمین ممکن خواهد بود و نه کاهش پایدار نابرابری. در این چارچوب، عدالت دیگر صرفاً یک ارزش اخلاقی نیست، بلکه شرط موفقیت هر برنامه اقلیمی است.

در سطح سیاستی، «گزارش عدالت جهانی ۲۰۲۶» پیشنهاد تأسیس «صندوق عدالت جهانی» را مطرح می‌کند؛ سازوکاری برای تأمین مالی گذار عادلانه از طریق مالیات‌های تصاعدی بر ثروت و درآمدهای بسیار بالا در سطح جهانی. منابع این صندوق باید صرف آموزش، سلامت، زیرساخت، سازگاری اقلیمی و گذار انرژی در کشورهای فقیرتر شود. گزارش همچنین بر اصلاح نظام پولی و مالی بین‌المللی، دموکراتیک‌تر شدن حکمرانی جهانی و محدود شدن تمرکز ثروت در رأس هرم اجتماعی تأکید دارد.

جمع‌بندی «گزارش عدالت جهانی ۲۰۲۶» روشن است: مسئله اصلی جهان نه کمبود دانش و فناوری، بلکه ناتوانی ساختارهای سیاسی و اقتصادی در مهار نابرابری و پیشبرد عادلانه گذار اقلیمی است. این گزارش تأکید می‌کند که بحران اقلیم و شکاف‌های اقتصادی را نمی‌توان جدا از هم فهمید یا حل کرد. از همین رو، این سند فقط یک گزارش پژوهشی نیست، بلکه تلاشی برای بازتعریف مفهوم توسعه در قرن بیست‌ویکم به شمار می‌آید؛ توسعه‌ای که در آن برابری اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی و کرامت انسانی به هم پیوسته‌اند.

“

در جهانی گرفتار بحران اقلیم و نابرابری، این گزارش از اقتصادی سخن می‌گوید که به جای رشد بی‌پایان، بر عدالت، بسندگی و زندگی بهتر تکیه دارد